فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱۲۵

محمدرضا حافظ نیا، استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران **Dr. M. Hafeznia**

ابراهیم رومینا، استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران **Dr. E. Roumina**

e.roumina@modares.ac.ir

تأثیر علائق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا

دریافت مقاله: ۹۶/۱/۲۶ پذیرش نهایی: ۹۶/۴/۲۵

چکیده

رقابت بین کشورهای یک منطقه در جهان پدیده‌ای فراگیر است، لیکن کنش میان کشورهای مدعی تابع نوع و تعداد موارد مورد رقابت و چگونگی حل آن‌ها است. دو کشوری که جهت موقعیت اول شدن در یک منطقه در تلاش هستند، رابطه مسالمت‌آمیز با یکدیگر نخواهند داشت. رابطه این دو کشور تابع نوعی رقابت پایدار خواهد بود که در جهت یارگیری دیگر کشورهای منطقه، به چالش کشاندن همدیگر و حمایت از کشورها و گروه‌های کوچک‌تر جهت تثبیت موقعیت منطقه‌ای تداوم خواهد داشت. در حال حاضر، رقابت متقابل ایران و عربستان در منطقه جنوب غرب آسیا، تنش‌هایی را شکل داده است که این رقابت و منازعه به سایر کشورهای منطقه نیز سرایت کرده و تنش‌هایی را در این بخش از جهان به وجود آورده است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به مطالعه علائق ژئوپلیتیکی دو کشور ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا پرداخت است. شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات موردنیاز کتابخانه‌ای و اسنادی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد کنش دو کشور ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا تحت تأثیر متغیرهای مختلفی چون سابقه تاریخ، فرهنگی، رقابت ایدئولوژیک، ساختار سیاسی متعارض، رقابت‌های دینی و مذهبی، گروه‌های قومی و مذهبی همسو در کشورهای متقابل و کنش سیاسی سطح فرا منطقه‌ای است. این عوامل در تولید و تداوم رقابت و منازعه بین دو کشور نقش‌آفرین بوده و تحت تأثیر این رقابت و منازعه، به دلیل وابستگی بخش عمده‌ای از جهان تشدید بحران بین ایران و عربستان باعث شکل‌گیری تنش منطقه‌ای و در مرحله بعدی شکل‌گیری چالش در سطح جهانی خواهد شد.

واژگان کلیدی: ایران، عربستان، منازعه، رقابت مسالمت‌آمیز، بحران

مقدمه

علائق ژئوپلیتیکی عبارت است از مکمل‌های فضائی و جغرافیایی ماورای مرزهای یک کشور در خصیصه‌های طبیعی و انسانی که همسویی واقعی یا تصوری با منافع آن کشور دارد. تعلق ژئوپلیتیکی به‌نوعی زیربنای علائق و منافع ملی کشورها را تشکیل می‌دهد و ناظر بر مواردی هست که با تمام یا بخشی از خصیصه‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی دارند و یا مواردی هستند که تأمین‌کننده احتیاجات کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی، فنّاورانه، نظامی، امنیتی، حیثیتی یا زیست‌محیطی می‌باشند و کشور به آن‌ها دل‌بستگی و علاقه دارد. یک گروه اقلیت هم‌کیش یا هم‌زبان و هم فرهنگ در کشور دیگر؛ یک فضای جغرافیایی مرتفع و مسلط بر کشور، یک جزیره؛ مسیر تأمین واردات کشور؛ بندرگاه‌ها و مسیرهای انتقال صادرات (نفت، گندم)؛ شبکه‌های ارتباط مخابراتی، مراکز فروش کالاها و خدمات (بازارهای نفتی)؛ مراکز تأمین واردات (قطعات، ماشین‌آلات، گندم، دارو و اسلحه)؛ حزب سیاسی طرفدار، اشتراک زبانی؛ آداب‌ورسوم مشترک، مرکز تولید و انتشار ناامنی؛ پایگاه نظامی؛ اقلیت قومی معارض؛ دولت رقیب؛ خروج قدرت رقیب از کشور همسایه؛ نفوذ در

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.18869/acadpub.geores.32.2.9]

ارکان کشور همسایه؛ افزایش مشتریان کالا و خدمات در خارج از مرزها؛ کاهش و کنترل سلاح‌های کشتارجمعی؛ صلح و ثبات بین‌المللی؛ خروج قدرت‌های مداخله‌گر از پیرامون کشور و موارد متعدد دیگر (حافظ نیا،۱۳۸۵: ۱۲۰).

علائق ژئوپلیتیکی واقعی، در جهت تأمین منافع کشورها عمل می‌کنند و کشورهای مختلف از این طریق می‌توانند در جهت تقویت وزن ژئوپلیتیک خود تلاش نمایند. لذا ضرورت دارد جهت حداکثر بهره‌برداری از علائق ژئوپلیتیکی، استراتژی ژئوپلیتیکی مشخصی را در پیش گرفت تا با کمترین چالش با رقبا در ارتباط با علائق ژئوپلیتیک بسیط و غیرقابل تقسیم، بتوان بیشترین سهم را از آن در جهت منابع ملی به دست آورد. از سوی دیگر علائق ژئوپلیتیکی تصوری یا غیرواقعی، بستر و زمینه لازم را جهت به انزوا کشاندن سیستم‌های سیاسی فراهم می‌نمایند. کشورهایی که منابع خود را در جهت علائق ژئوپلیتیکی غیرواقعی هزینه نمایند، بسترسازی ضعف و انزوای خود را در بین سیستم‌های پویایی سیاسی فراهم نموده و درجه آنتروپی خود را افزایش می‌دهند.

میزان فراوری علائق ژئوپلیتیکی تابع سطح قدرت کشورها است. چنانچه قدرت یک کشور در ابعاد مختلف رو به گسترش باشد، علائق ژئوپلیتیکی بسط یافته و حلقه آن‌ها در فضای جغرافیایی گسترش می‌یابد. بیشترین علائق ژئوپلیتیکی یک کشور در کشورهای هم‌جوار آن است و به میزان فاصله از مرزهای ملی، میزان علائق ژئوپلیتیکی کاهش خواهد یافت.

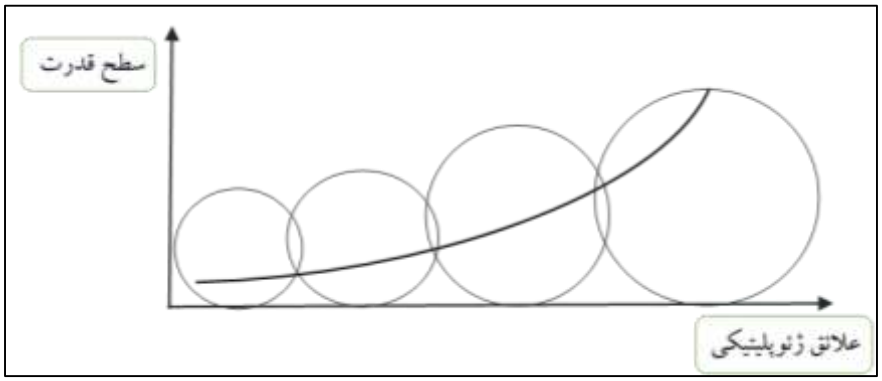

شکل ۱- رابطه سطح قدرت کشورها با علائق ژئوپلیتیک

بیان مسئله

در حال حاضر کنش رقابت‌آمیز بین ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا به طرق مستقیم یا غیرمستقیم با بحران‌های زیر در منطقه پیوند خورده است.

- در سوریه تاکنون بیش از ۳۰۰ هزار نفر در جنگ کشته‌شده‌اند.
- بیش از ۱۲ میلیون نفر از جمعیت سوریه شهر و خانه خود را ترک کرده‌اند.
- ۵ میلیون نفر از شهروندان سوری پس از جنگ از این کشور خارج‌شده‌اند.
- تخریب زیرساخت‌های سوریه شهروندان این کشور را برای چندین دهه در چالش زیستی قرار خواهد داد.
- اشغال عراق و عملیات آزادسازی آن تاکنون بیش از ۱ میلیون کشته داشته است.

رقابت قدرت‌های منطقه‌ای به همراه کنش‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های فرا منطقه‌ای در کشورهای لبنان، یمن، بحرین، افغانستان، عراق و ...، نتیجه‌ای جزء جنگ، تداوم بحران، آوارگی و کشتار بی‌گناهان و فقر و عقب‌ماندگی منطقه‌ای در پی ندارد و ....

این وضعیت در جنوب غرب آسیا، نتیجه چیست؟ چرا بحران در منطقه‌ای به لحاظ ثروت طبیعی نزدیک به یک قرن است که پایدار مانده است؟ چه گروه‌ها و حکومت‌هایی از این وضعیت بیشترین استفاده را خواهند برد؟ این صرفاً نیروهای منطقه‌ای در تولید بحران نقش‌آفرین هستند؟ پیامد پایداری بحران در منطقه، چیست؟ ابعاد این بحران تا کی و تا چه ابعادی گسترش خواهد یافت؟

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.18869/acadpub.geores.32.2.9]

هرچند برای سؤالات فوق و بسیاری از مسائل دیگر می‌توان فرضیات متعددی را شکل‌بندی نمود، لیکن این پژوهش علائق ژئوپلیتیکی متداخل قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و غیرقابل تقسیم بودن آن‌ها را موضوع اصلی در شکل‌گیری، تداوم و پایداری بحران در منطقه می‌داند.

چارچوب نظری

سیاست خارجی کشورهای هم‌جوار آن‌ها به‌شدت از متأثر از یکدیگر است. ویژگی‌های مشترک جغرافیایی، زیرساخت رفتارهای همگرایی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد. در چنین سازه‌های منطقه‌ای، چنانچه چند قطب مدعی قدرت وجود داشته باشد بیشترین رقابت‌ها بین قطب‌هایی در جریان است که از توازن نسبی ژئوپلیتیک برخوردارند و چنانچه این رقابت‌ها عمیق شده و مانع از مصالح کلان منطقه‌ای گردد، منطقه با چالش مواجه شده و کارکردهای مؤثر آن تضعیف می‌شود. در سازه‌های منطقه‌ای غیر منسجم که تضادها و تعارض‌ها توسعه می‌یابند الگوهای مناقشه گسترش‌یافته و فضای بحرانی بر منطقه حاکم می‌شود در این‌گونه مناطق شکاف‌های ایجادشده بین اجزاء و دولت‌های منطقه‌ای بسترسازی مناسب را برای مداخله گران و بازیگران فرا منطقه‌ای فراهم می‌کند.

مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی دارای ویژگی‌های و ارزش‌های خاصی هستند و منابع و مزیت‌ها نیز در سطح جهان به‌طور متعادل پخش نمی‌باشند. به عبارتی الگوی پخش عرضه مزیت‌ها و نیز تقاضای مزیت‌های جغرافیایی نامتعادل است. ازاین‌رو مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی و به دنبال آن گروه‌های انسانی ساکن در آن‌ها، ملت‌ها و حکومت‌ها به یکدیگر نیازمند و وابسته می‌شوند. وابستگی ژئوپلیتیکی منعکس‌کننده این واقعیت است. مزیت‌های جغرافیایی کشورها از طیف گسترده‌ای برخوردار است. لکن برخی از کشورها از تمام یا بخشی از آن برخوردارند و برخی از آن‌ها آن را ندارند. این ضرورت وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان است. البته دولت‌ها برای تأمین نیازهای خود همیشه از روش‌های مسالمت‌آمیز استفاده نمی‌کنند و گاهی با ترفندهای سیاسی، سلطه، نفوذ، زور و غیره سعی بر تعرض، کنترل و تصرف مزیت‌های جغرافیایی دیگران رادارند (حافظ نیا، ۱۴۶:۱۳۸۵). ازاین‌رو فضایی تنش‌زا و خصومت‌آمیز را در روابط خود با دیگران شکل می‌دهند که سلامت سیستم سیاسی جهان و منطقه را به چالش کشیده و تهدید می‌نماید و بحران و ناامنی و جنگ و توسعه‌نیافتگی را تحمیل می‌کنند.

به عقیده رلف، فضای جغرافیایی بازتابی از آگاهی‌های ارادی افراد با محیط خود است (شکویی،۳۰۰:۱۳۷۵). ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی به لحاظ ساختاری و یا کارکردی ماهیتی دوگانه دارند. بدین معنی که یک عامل جغرافیایی برای یک گروه یا فرد انسانی ممکن است مثبت تلقی شود درحالی‌که همان عامل برای گروه و یا فرد دیگر دارای ارزش منفی انگاشته می‌شود. به‌علاوه اینکه هویت ساختی و کارکردی عوامل، دارای ارزش ثابت و پایدار نیستند و ممکن است یک عامل در بستر زمان ممکن است دچار تحول ارزشی شود و یا در دیدگاه گروه‌های انسانی متفاوت ارزش‌های متفاوتی داشته باشد. از سوی دیگر ساختارهای سیاسی سعی در توزیع و پخش پدیده‌ها و ارزش‌های موردنظر خود در فضای جغرافیایی می‌نمایند. نظریه پخش هاگستراند مؤید این وضعیت است (شکویی،۱۱۲:۱۳۶۴، هاگت،۸۷:۱۳۷۵) (Johnston,1994:132).

با توجه به مطالب فوق می‌توان شکل ۲ را به‌عنوان مدلی جهت تبیین رقابت قدرت‌ها در سطوح مختلف، در ارتباط باارزش‌های مورد مناقشه، مدنظر قرارداد.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.18869/acadpub.geores.32.2.9]

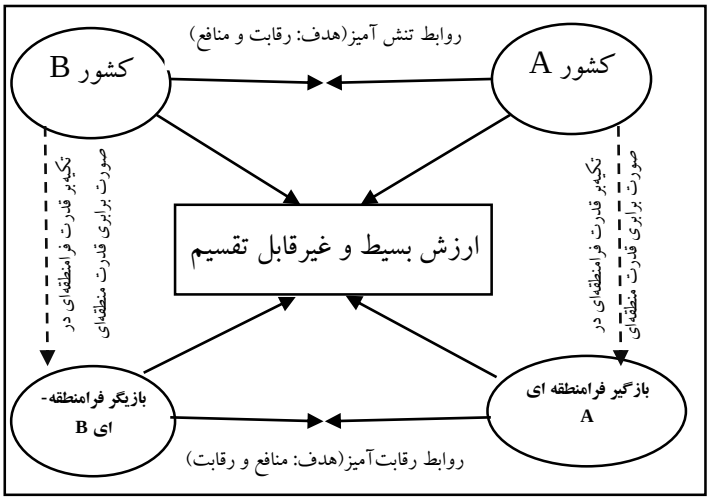

شکل ۲- مدل رقابت قدرتی و ارزش‌های بسیط بین بازیگران سیاسی

در الگوی فوق ممکن است روابط مختلف زیر بین واحدهای سیاسی بازیگر شکل گیرد:

رفتار و کنش دو کشور A و B در ارتباط باارزش‌های بسیط و غیرقابل تقسیم از الگوی رقابت و تا حدی منافع نشات می‌گیرد؛

رفتار و کنش بازیگر فرا منطقه‌ای A و B تابع کسب حداکثر منافع و سپس رقابت با رقیب متناظر است.

رفتار و کنش دو کشور A و B جهت غلبه بر کشور رقیب، تکیه‌بر قدرت فرا منطقه‌ای است.

رفتار و کنش دو کشور A و B در ارتباط با کشورهای منطقه‌ای، یارگیری حداکثری است.

رفتار و کنش بازیگران فرا منطقه‌ای A و B در ارتباط با کشور رقیب در برابر کشور موردحمایت، تحمیل‌کننده و محدودکننده در فضای جهانی است.

محیط‌شناسی

جنوب غرب آسیا شامل ۱۹ کشور[۱] است. در حال حاضر منطقه جنوب غرب آسیا فضای رقابت و چالش سازی سه قدرت ایران، عربستان و ترکیه است. این سه قدرت علائق ژئوپلیتیکی متکثر و متنوع دارند و نگرش غیرقابل تقسیم آن‌ها (بسیط بودن علائق ژئوپلیتیکی) بستر چالش سازی و منازعه را شکل داده است. برآیند این وضعیت به شکل‌گیری دسته‌بندی‌های منطقه‌ای، تولید بحران و منازعه انجامیده است.

[۱] شامل: آذربایجان، ارمنستان، اردن، افغانستان، امارات متحده عربی، ایران، بحرین، پاکستان، ترکیه، سوریه، اسراییل، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، گرجستان، جمهوری لبنان، یمن.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.18869/acadpub.geores.32.2.9]

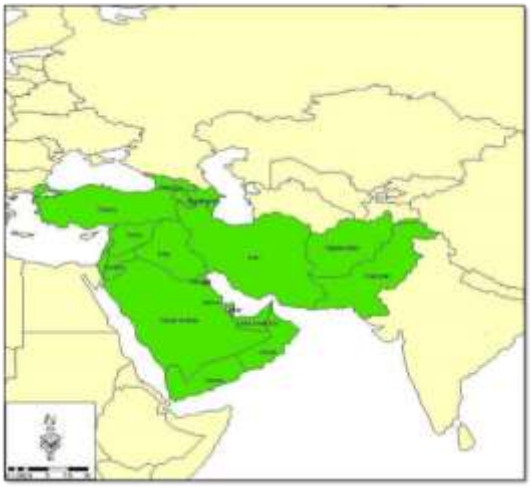

شکل ۳- کشورهای جنوب غرب آسیا

منبع: (انجمن ژئوپلیتیک ایران)

ساختار قدرتی بر مبنای متغیر تمدنی در جنوب غرب آسیا در شکل ۴ آمده است. بسیاری از کنش‌های ژئوپلیتیکی در این منطقه را می‌توان بر مبنای مدل زیر مورد مطالعه قرارداد.

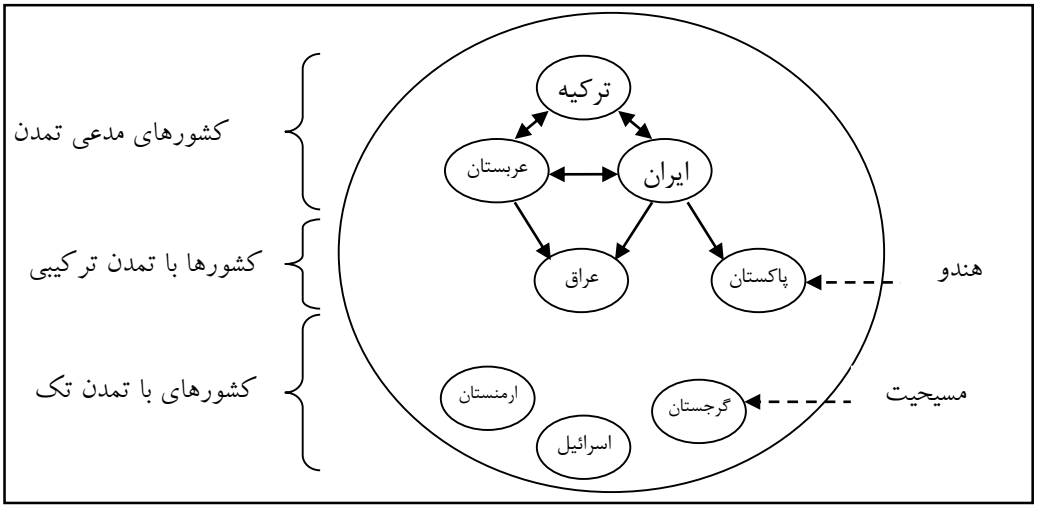

شکل ٤- ساختار قدرتی بر مبنای متغیر تمدنی در جنوب غرب آسیا

یافته‌های تحقیق

الگوی حاکم بر روابط ایران و عربستان

پایان جنگ جهانی اول با تجزیه امپراتوری عثمانی و تعیین و تغییرات جغرافیایی و شکل گرفتن واحدهای سیاسی جدیدی در منطقه خلیج‌فارس همراه بود. ظهور این واحدها سبب بروز بحران‌های جدید و نیز تشدید بحران‌های قدیمی در دو سطح داخلی و منطقه‌ای شد (حسنات،۱۹۹۳:۵۶). در پایان جنگ جهانی دوم الگوی نظام دوقطبی شکل گرفت و کشورهای منطقه به دو گروه تقسیم شدند: عراق به جبهه بلوک شرق و دیگر کشورها به جبهه بلوک غرب پیوستند. در رابطه ایران و عربستان این دوره تا انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷-ه.ش تداوم داشت. سیاست دو ستونی ایالات‌متحده از دو کشور ایران و عربستان به اجرا گذاشته شد و ایران قبل از سال ۱۹۷۹ به‌عنوان محور تعادل ژئوپلیتیک خاورمیانه با کمک مکمل استراتژیک خود یعنی عربستان و با پشتیبانی

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.18869/acadpub.geores.32.2.9]

قدرت دریایی جهانی (ایالات‌متحده آمریکا) توانست پایداری نسبی را در منطقه برقرار سازد. درنتیجه طی سه دهه خلیج‌فارس از یک امنیت نسبی خوبی برخوردار بود و همه کشورهای واقع در آن به‌جز عراق به‌صورت مسالمت‌آمیز مسائل خود را حل می‌کردند و هیچ‌گاه برخوردهای خشونت‌آمیز بین آن‌ها اتفاق نیفتاد (عزتی،۱۸۲:۱۳۷۷). دو کشور همچنین در زمینه مسائل اوپک، فلسطین و سازمان کنفرانس اسلامی وحدت نظر داشته و هردو نگرش یکسانی نسبت به شوروی و آمریکا داشتند (سادات عظیمی،۱۲۴:۱۳۷۵). در این دوره در چارچوب نظام ژئوپلیتیک جهانی و عقبه‌های منطقه‌ای آن، عربستان و ایران دچار هم‌گرائی ساختاری بوده و نیروی پیونددهنده بر نیروی جداکننده غلبه داشته است. در این دوره ایران از منزلت ژئوپلیتیک برتر نسبت به عربستان برخوردار بوده است (حافظ نیا، رومینا، ۶۶:۱۳۸۴).

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و خروج آن از ساختار ژئوپلیتیک غرب و فروپاشی پیمان سنتو و بروز زنجیره‌ای از تحولات ژئوپلیتیکی در منطقه، روابط ایران و عربستان به‌سوی توسعه تضادها گرایش یافت. این وضعیت تا پایان دهه ۱۳۶۰-ه.ش در ایران تداوم یافت.

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط ایران در تیرماه ۱۳۶۷-ه.ش (جولای۱۹۸۸) و پایان جنگ ایران و عراق (اسدی،۱۳۸۱) و نیز تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی طی سال‌های پس‌ازآن، رویارویی بین ایران و اعراب تخفیف پیدا کرد (رمضانی،۴۷:۱۳۷۷). به عبارتی تغییر اوضاع داخلی در ایران همچون پایان جنگ ایران و عراق، تغییر رهبری و نیز تهاجم عراق به کویت و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران را با کشورهای کرانه خلیج‌فارس از حالت رودررو خارج و به اتخاذ روش‌های مصلحت جویانه و صلح طلبانه گرایش داد (برزگر،۲۰۲:۱۳۸۲). این فرایند آشتی گرایی با توسعه شکاف در روابط آمریکا با اعراب، پدیدار شدن فرصت‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی جدید در عراق، افغانستان و منطقه برای آمریکا، از شتاب بیشتری برخوردار شد و مناسبات دو کشور به حالت عادی بازگشت. این وضعیت از ابتدای دهه ۱۳۷۰-ه.ش تا نیمه دوم دهه ۱۳۸۰-ه.ش تداوم یافت. دیدار ریاست جمهوری اسلامی ایران از عربستان نمونه توسعه در روابط دو کشور در این دوره است (اخوان کاظمی،۱۳۴:۱۳۷۹). از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰-ه.ش روابط دو کشور رو به تیرگی نهاد. عواملی چون سیاست ایالات‌متحده نسبت به عربستان، سیاست خارجی ایران در این دوره، تحولات داخلی در عربستان و مرگ پادشاه عبدالله و سیاست منطقه‌ای تنش گونه عربستان، تعارض در برداشت از منافع، تحولات در دنیای عرب، جنگ‌های داخلی در سوریه و یمن و ... در شکل‌گیری این شرایط تأثیرگذار بوده است.

علایق ژئوپلیتیکی متعارض و تنش ایران و عربستان

ایدئولوژی متعارض

هر یک از این کشورها حامل یک ایدئولوژی پویا هستند. ایدئولوژی موردنظر نیروی حرکت دهنده کنش‌های آن‌ها خواهد بود. پس از انقلاب اسلامی به‌سرعت ایدئولوژی سیاسی و انقلابی شیعه در مقابل ایدئولوژی سنی وهابی به رهبری عربستان سعودی قرار گرفت به‌نحوی‌که هر دو ایدئولوژی مشروعیت یکدیگر را زیر سؤال بردند (سریع القلم،۳۰۶:۱۳۷۴). هر ایدئولوژی پس از استقرار از قدرت تنیدگی و پایداری برخوردار است. به‌ویژه زمانی که با جریانات سیاسی و اقتصادی همراه گردد.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.18869/acadpub.geores.32.2.9]

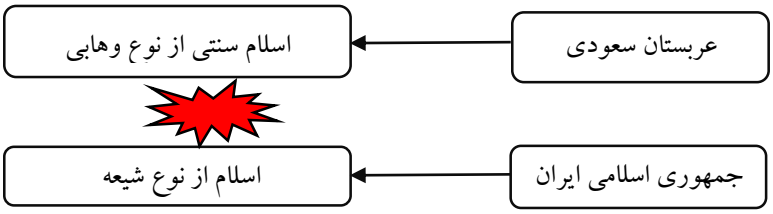

شکل ۵- علائق ژئوپلیتیک متقابل ایران و عربستان در فضای ملی یکدیگر

هر یک از کشورهای ایران و عربستان به‌عنوان دو کانون و داعیه‌دار این نوع ایدئولوژی محسوب می‌شوند. این کانون گرایی دو کشور با تکیه‌بر متغیرهای تأثیرگذار دیگر، کنش تعارضی را افزایش داده است. از سوی دیگر این دو کشور جهت توسعه ایدئولوژی موردنظر، اقدام به انتشار فضایی بر مبنای مدل هاگستراندی می‌نمایند.

تمدن رقیب (ایرانی - سامی)

تفکر برتری پنداری بین ساکنان فضاهای جغرافیایی، پدیده‌ای عام است که از سطح محلی تا سطح منطقه‌ای و حتی جهانی می‌توان نمونه‌های فراوانی از آن آورد. تفکر برتری پنداری و فرودست انگاری و پیرو انگاری دو تمدن ایرانی و سامی نیز یکی از آن‌ها است. تفکر برتری انگاری، احساسی تصوری است که بین ملت‌ها شکل می‌گیرد و این احساس مبنای عمل و کنش اجتماعی را شکل می‌دهد. دو تمدن ایران و سامی که در حال حاضر دو کشور ایران و عربستان داعیه‌دار آن هستند در طول تاریخ با یکدیگر در حال رقابت بوده‌اند. این دو تمدن در طول تاریخ ۱۳۰۰ به‌طور پایدار در تنش و منازعه بوده‌اند. غلبه تمدن سامی پس از ورود اسلام به ایران، نگرش مافوق و مادون اعراب نسبت به ایران را تقویت کرد. از سوی دیگر ایرانیان با تکیه‌بر تاریخ و تمدن کهن خود، نگرش اعراب را به چالش کشیده‌اند. نمونه اشعار و نثرها و نوشته‌های فراوانی در این زمینه در ایران وجود دارد که نشان‌دهنده رقابت تمدنی بین دو داعیه‌دار تمدنی ایران و عربستان در حال حاضر است. از سوی دیگر حاکمان عرب بیشتر بر اساس سیاست‌های نمادین عمل می‌نمایند و حتی برای کنترل سیاسی یکدیگر، خود را بیشتر مدافع هنجارهای عربی نشان می‌دهند (Barent,1998: 1-2). علاوه بر آن عربستان به دلایل مختلف؛ موقعیت الگوی در ارتباط با دیگر کشورهای عربی داشته است (واعظی،۱۳۸۷). این موقعیت الگویی با تکیه‌بر پیشینه رقابت تمدنی به دیگر فضای عربی نیز سرایت خواهد کرد.

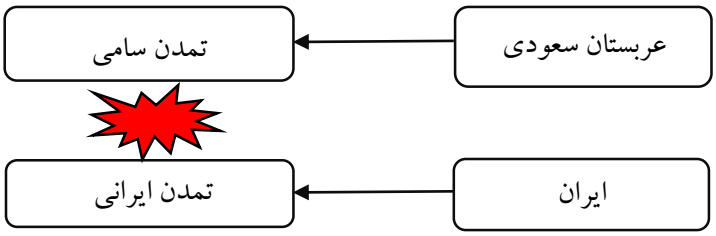

شکل ٦- وابستگی تمدنی ایران و عربستان

کنش تمدنی عربستان با تکیه‌بر زبانه‌های سامی این تمدن در بخش بزرگی از جنوب آسیا و شمال آفریقا پشتیبانی فکری و کنشی را به همراه دارد. درصورتی‌که کنش تمدنی ایرانی، در فضاهای جغرافیایی این تمدن یعنی افغانستان تاجیکستان و بخش‌های پراکنده‌ای از جنوب غرب آسیا صورت می‌گیرد.

علایق مذهبی- قومی در فضای سرزمینی رقیب

هر یک از مذاهب منشعب از دین اسلام، کانون‌های فکری و عقیدتی متفاوتی دارند. این کانون‌ها تولید فکر و پشتوانه مذهبی معتقدان خود را فراهم می‌کنند. ازآنجاکه این کانون‌ها ممکن است در فضاهای جغرافیایی کشور رقیب قرار گیرند، کنش

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-11]
[DOI: 10.18869/acadpub.geores.32.2.9]

ژئوپلیتیکی را به همراه خواهند داشت. هر یک از این کشورهای ایران و عربستان علائق ژئوپلیتیکی در داخل مرزهای یکدیگر دارند که این علاقه ژئوپلیتیکی زمینه مداخله در مسائل داخلی همدیگر را فراهم می‌کند. اهل تسنن ایران به‌عنوان علاقه ژئوپلیتیکی عربستان سعودی محسوب می‌شود و شیعیان و مکه مکرمه در عربستان سعودی جزء علائق ژئوپلیتیک ایران در عربستان محسوب می‌شود.

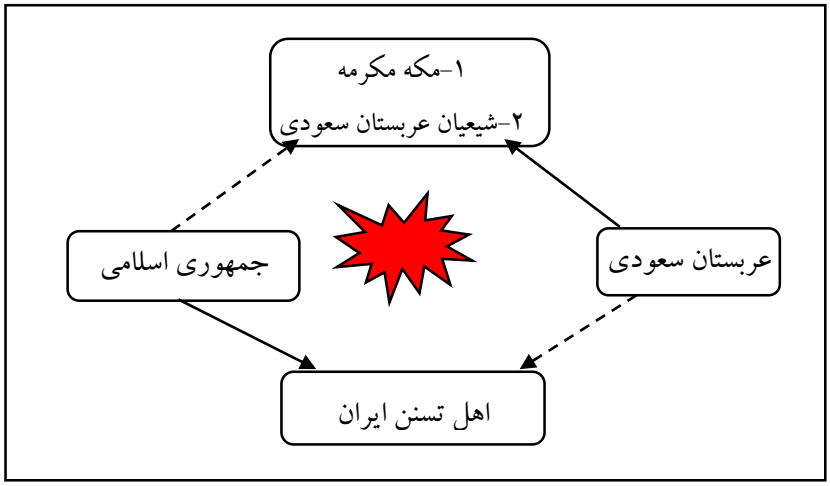

شکل ۷- رویکرد ایران و عربستان نسبت به اسلام

رقابت در اوپک:

اوپک را می‌توان مظهر گروه‌بندی کشورهای غیرمنطقه‌ای جهت کسب منافع مشترک دانست. در حال حاضر دوازده کشور ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، ونزوئلا، قطر، لیبی، امارات متحده عربی، الجزایر، نیجریه، آنگولا و اکوادور عضو این نهاد اقتصادی هستند (Yergin, 2008: 2). اگرچه این نهاد باهدف «هماهنگی و یکپارچه‌سازی سیاست‌های نفت کشورهای عضو و تعیین بهترین راه برای تأمین منافع جمعی یا فردی آن‌ها، طراحی شیوه‌هایی برای تضمین ثبات قیمت نفت در بازار نفت بین‌المللی به‌منظور از بین بردن نوسانات مضر و غیرضروری و ...» (OPEC Secretariat, 2012: 9) تشکیل شد. ولی در مراحل پس از تشکیل و ثبات آن، عرصه رقابت تولیدکنندگان عضو واقع شد. به‌گونه‌ای که کشورهای تولیدکننده جهت کسب جایگاه بالاتر به رقابت پرداختند. رقابت ایران و عربستان نیز در این زمینه قابل‌توجه است. در دهه ۱۹۷۰-م. ایران فاصله نزدیکی با کسب رتبه اول تولیدکننده نفت داشت که با وقوع انقلاب اسلامی، ایران فضای رقابتی را به دیگر تولیدکنندگان نفت اوپک واگذار نمود. لیکن با توجه به ظرفیت‌های ذخایر نفتی، ایران به‌عنوان رقیب بالقوه عربستان محسوب می‌شود.

بر اساس آمار منتشرشده ۲۰۱۵ کشورهای عضو اوپک سهم مهمی از بازار تولید نفت خام جهان را در اختیاردارند (International Agency Energy Secure Sustainable Together, 2015). در این بین عربستان به‌عنوان بیشترین تولیدکننده نفت اوپک محسوب می‌گردد.

فضاهای پیرامونی عرصه رقابت و منازعه

الف) فضای رقابتی شرق دریای مدیترانه: یکی از فضاهایی که همواره میان ایران و عربستان بر سر آن اختلاف‌نظر و رقابت وجود داشته، منطقه شرق دریای مدیترانه است؛ فضایی که منطبق با لبنان و بخش‌هایی از کشور سوریه است. در این منطقه، شیعیان زندگی می‌کنند و در طول تاریخ ارتباطات فرهنگی، مذهبی و تجاری با ایران داشته‌اند. در حال حاضر حزب‌الله در لبنان این

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-11]
[DOI: 10.18869/acadpub.geores.32.2.9]

کارکرد تاریخی را احیا کرده است و نفوذ ایران را در غرب آسیا تقویت کرده است. این رابطه از سوی عربستان سعودی موردانتقاد قرارگرفته است.

ب) فضای رقابتی غرب عراق و شرق سوریه: فضای جغرافیایی دیگری که در آن میان ایران و عربستان رقابت و درگیری وجود دارد، منطقه بین عراق و سوریه است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط جمهوری اسلامی ایران با سوریه به اتحاد استراتژیک ایران تبدیل شد. از سوی دیگر، پس از سقوط صدام، با روی کار آمدن شیعیان در عراق، روابط ایران و عراق نیز دوستانه و درنتیجه، نفوذ ایران در کشورهای سوریه و عراق تقویت شد.

ج) فضای رقابتی شمال یمن: کشور یمن در جنوبی عربستان محل سکونت شیعیان بوده است. جمعیت شیعیان این کشور در حال حاضر قریب به ۸ میلیون نفر است. شیعیان این کشور در چند سال اخیر جنبش‌های اعتراضی را پیگیری کردند. با سقوط گروه‌های طرفدار عربستان و تصاحب قدرت در این کشور توسط شیعیان، نفوذ ایران در این کشور افزایش یافت و از سوی دیگر نفوذ سنتی عربستان کاهش یافت. این فرایند موجب دخالت نظامی عربستان در امور داخلی یمن شد.

د) فضای رقابتی در خلیج‌فارس: بحرین و جزایر سه‌گانه ایرانی را یکی دیگر از فضاهای رقابت بین ایران و عربستان باید دانست. بخش عمده‌ای از جمعیت بحرین شیعه‌مذهب هستند و این مسئله باعث شده تا موردتوجه ایران شیعی واقع شوند. ازآنجاکه حکومت این کشور با اهل تسنن موردحمایت مستقیم عربستان است یکی از فضاهای رقابت بین دو کشور محسوب می‌شود. در رابطه با جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی عربستان سعودی همواره تلاش کرده است تا از طریق امارات متحده عربی ایران را تحت‌فشار جهت واگذاری این جزایر به امارات از سوی ایران را پیگیری کرده است.

ه) فضای رقابتی غرب پاکستان و افغانستان: جنوب شرق ایران و غرب پاکستان محل سکونت اقوام بلوچ است که به دلیل ترسیم استعماری بین ایران و پاکستان در حال حاضر از سوی عربستان جهت فشار به ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین طالبان و حمایت‌های مالی عربستان از آن‌ها را می‌توان به‌عنوان یکی دیگر از فضاهای تنش بین این ایران و عربستان محسوب کرد (رومینا،۱۳۹۵:۴).

شکل ۸- فضاهای تنش بین ایران و عربستان

منبع: (به نقل از پایگاه خبری جغرافیای سیاسی، http://newspg.ir)

هر دو کشور ایران و عربستان در فضاها و مناطق پیرامونی نسبت به منافع واقعی یا تصوری، رویکرد غیرقابل تقسیم دارند. این رویکرد موجب پایداری منازعه و چالش سازی مداوم بین دو کشور را فراهم می‌کند.

ساختار سیاسی متفاوت

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.18869/acadpub.geores.32.2.9]

هر یک از کشورهای ایران و عربستان دارای یک سیستم سیاسی ویژه است. این سیستم‌های سیاسی تولیدکننده نوع رفتار و کنش ویژه است. عربستان دارای حکومت پادشاهی است و ایران از یک نوع جمهوری اسلامی برخوردار است. اصولاً بخشی از کنش و تعاملات بین دو کشور در قالب ساختار موجود با تعارض و چالش مواجه است. این دو ساختار تولیدکننده نهادها و ساختارهای تابعی هستند که کنش آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده و تعاملات آن‌ها را با موانع مواجه می‌سازد. عربستان سعودی دارای ساختار پادشاهی با حاکمیت مطلقه آل سعود است و ایران از یک جمهوری اسلامی با بن‌مایه‌های مذهبی.

رابطه با سیستم‌های سطح جهانی

هر یک از کشورهای ایران و عربستان دارای رابطه بسیار نزدیک با سیستم سیاسی سطح جهانی هستند که این سیستم‌های سطح جهانی در حال رقابت با یکدیگر هستند (Roumina, 2017: 112).

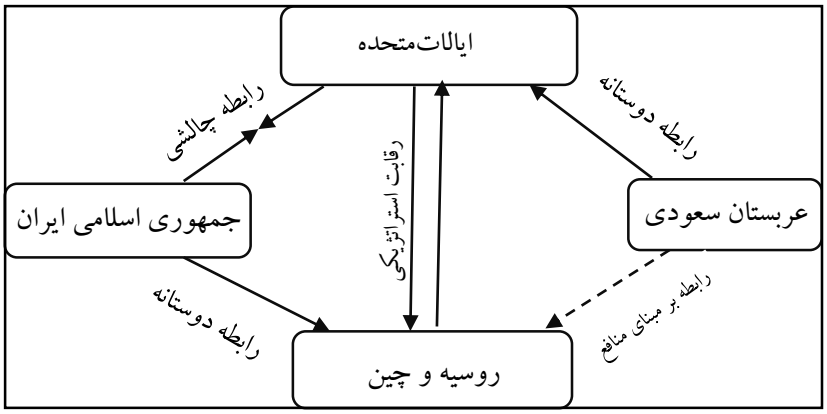

شکل ۹- روابط ایران و عربستان با سایر قدرت‌های جهانی

نتیجه‌گیری

داده‌های مورد مطالعه در بخش یافته‌های تحقیق حاکی از تنش بین دو واحد سیاسی ایران و عربستان و پایداری آن است. لذا دو واحد سیاسی در هیچ شرایطی در کنار همدیگر نخواهند بود. رقابت پایدار است ولی تابع کنش سیاسی ممکن است رقابت مسالمت‌آمیز جایگزین تنش و یا منازعه شود. هر زمان حوزه نفوذ ایران در منطقه افزایش یابد، عربستان در برابر این مسئله واکنش نشان داده و سعی در محدود کردن ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای رقیب می‌کند و بالعکس نیز صدق می‌کند. شکل۹، الگوی تعاملی یا تعارضی منطقه‌ای بین ایران و عربستان را نشان داده است.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.18869/acadpub.geores.32.2.9]

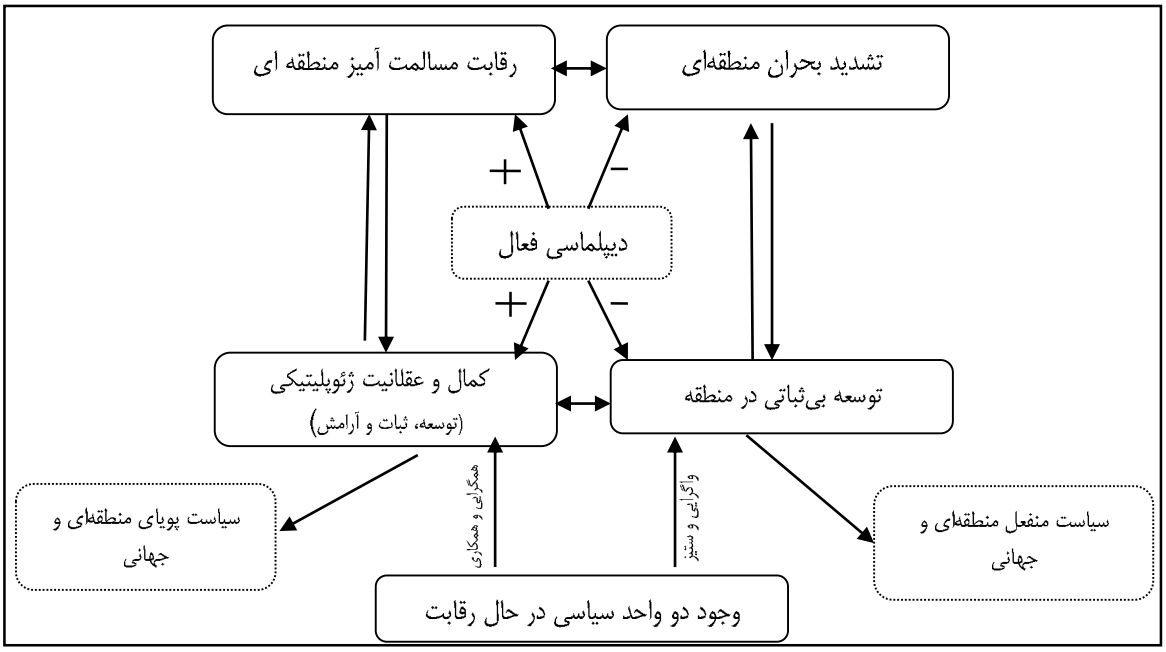

شکل ۱۰- الگوی تعاملی/تعارضی منطقه‌ای

در صورت به‌کارگیری الگوی فوق در یک رابطه تعامل می‌توان انتظار ایجاد فضایی آرام در جنوب غرب آسیا که بیشترین تحولات منطقه تحت تأثیر نقش‌آفرینی دو قدرت ایران و عربستان است بود. این الگو نیازمند یک دیپلماسی پویا متکی بر نقش‌آفرینی بازیگران منطقه در تحولات ذاتاً منطقه‌ای است. لیکن نمی‌توان نقش‌آفرینی قدرت‌های فرا منطقه‌ای را موردتوجه قرار نداد. ازاین‌رو الگوی فوق در فضای رقابت مسالمت‌آمیز ایران و عربستان تابع تلاش‌های دیپلماتیک در سه سطح زیر است:

سطح بین کشوری: دیپلماسی فعال ایران و عربستان جهت کاهش تنش‌های بین دو کشور؛

سطح منطقه‌ای: کشورهای منطقه‌ای که متأثر از رفتار و کنش‌های دو کشور هستند می‌توانند در کاهش تنش بین دو کشور ایران و عربستان نقش‌آفرین باشند.

سطح جهانی: کشورهای اروپایی، روسیه، ایالات‌متحده آمریکا و چین می‌توانند در کاهش تنش بین ایران و انگلستان به‌واسطه دیپلماسی سطح جهانی تأثیرگذار باشند.

منابع و مآخذ

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۹)، واگرائی و هم‌گرائی در روابط ایران و عربستان، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تابستان، شماره ۲.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۱)، خلیج‌فارس و مسائل آن، تهران، انتشارات سمت.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۲)، تعاملات سیاسی ایران- عربستان پس از ۱۱ سپتامبر، فصلنامه راهبرد، شماره ۱.
- پایگاه خبری جغرافیای سیاسی http://bit.ly/2vR2c4I
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پاپلی.
- حافظ نیا، محمدرضا، رومینا، ابراهیم (۱۳۸۴)، تحول روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج‌فارس، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۰، شماره ۲، تابستان. صص ۶۶-۸۲
- حسنات، سید فاروق (۱۳۷۲)، اختلافات ارضی عامل بی‌ثباتی ترتیبات امنیتی در خلیج‌فارس، ترجمه: باقر نصیر، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج‌فارس.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-11]
[DOI: 10.18869/acadpub.geores.32.2.9]

- رمضانی، روح‌الله (۱۳۷۷)، طلیعه آشتی اعراب با ایران: به‌سوی سیاست یکپارچه ایالات‌متحده در خاورمیانه، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۳۱-۱۳۲، صص ۵۹-۴۶.
- رومینا، ابراهیم (۱۳۹۵)، همایش تحولات ژئوپلیتیک در جنوب غرب آسیا، پژوهشکده مطالعات راهبردی، مقاله منتشرنشده.
- سادات عظیمی، رقیه (۱۳۷۵)، عربستان سعودی (مجموعه مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌الملل)، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۴)، میزگرد شناخت استراتژی آمریکا نسبت به ایران و خاورمیانه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲.
- شکویی، حسین (۱۳۶۴)، فلسفه جغرافیا، تهران، انتشارات گیتاشناسی.
- شکویی، حسین (۱۳۷۵)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد اول)، تهران، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۷)، ژئوپلیتیک ایران و تأثیر آن بر تأمین امنیت خلیج‌فارس، فصلنامه سیاست خارجی، سال دوازدهم.
- واعظی، محمود (۱۳۸۷)، روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل، فصلنامه میقات حج، تابستان، سال شانزدهم.
- هاگت، پیتر (۱۳۷۵)، جغرافیا ترکیبی نو، جلد ۲، ترجمه:شاپور گودرزی‌نژاد، تهران، سمت.
- Barnet, M. (1998), Dialogue in Arab Politics, New York, Columbia University Press.
- Johnston, R.J Gregory, D, Smith, M. (1994), The Dictionary of Human Geography, U.K Blackewll.
- International agency energy secure sustainable together (2015), Key world energy statistics, In http://www.iea.org/publications/freepublications/publication/KeyWorld_Statistics_2015.pdf
- OPEC Secretariat (2012), Organization of the Petroleum Exporting Countries. Vienna, Austria.
- Roumina, E. (2017), Analyzing the Relationship of the Claimant State in a Geopolitical Area, Case Study: Saudi Arabia and Iran in International Conference of Korean Association for Visual Culture. Korea University, Korea.
- Yergin, D. (2008), The Prize, The Epic Quest for Oil, Money and Power, New York, Simon and Schuster.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.18869/acadpub.geores.32.2.9]